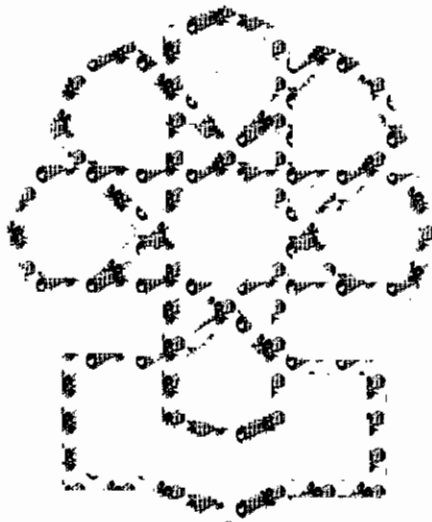




درباره لایحه تسری افزایش ضریب حقوق کارکنان مشمول  
قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت به قضات و  
اعضای هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی



معاونت پژوهشی

تیرماه ۱۳۷۴

کار: گروه تحقیق

کد گزارش: ۲۰۰۰۷۵۰

تسری افزایش ضریب حقوق کارکنان مشمول قانون نظام  
هماهنگ پرداخت کارکنان دولت به قضات و اعضای  
هیأت علمی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی

عنوان لایحه

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی

کتابخانه واحد اسناد و اطلاع رسانی

شماره: ۷۲۵۴

تاریخ: ۱۴/۱۵/۷۴

شماره ترتیب چاپ: ۱۴۷۳

شماره چاپ سابقه: —

شماره دفتر ثبت: ۴۵۵

تاریخ چاپ: ۱۳۷۴/۲/۱۲

کمیسیونهای مربوط: امور اداری و استخدامی، امور اقتصادی و  
دارایی و تعاون، امور برنامه و بودجه، امور قضایی و حقوقی،  
فرهنگ و آموزش عالی

مشخصات لایحه

بدیهی و پرواضح است که تأمین مالی دو گروه موضوع لایحه فوق یعنی قضات و اعضای هیأت علمی دانشگاههای کشور رابطه مستقیم با ایجاد امنیت قضایی و تأمین آزادیهای فردی و نیز تضمین پیشرفتهای علمی و توسعه تحقیقات و پژوهش و گسترش آموزش عالی دارد.

از این رو حمایت مالی از طبقات مزبور لازم و ضروری است و به همین جهت به طور معمول در قوانین مربوط به تعیین سطوح حقوق مستخدمین دولت مواد جداگانه‌ای به تعیین حقوق و مزایای گروههای مزبور اختصاص داده می‌شود. از باب مثال مواد ۱۴ و چهار تبصره آن از «قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت» (مصوب ۷۰/۶/۱۳) و نیز ماده ۹ و تبصره‌های هفتگانه «قانون تغییر جدول حقوق و ضوابط پرداخت مستخدمین مشمول قانون استخدام کشوری و قضات» (مصوب ۷۰/۱/۲۵) به چگونگی محاسبه میزان درآمد و حقوق نامبردگان اشاره دارد.

طبق تبصره «یک» قانون نظام هماهنگ کارکنان دولت، «ضریب حقوق موضوع این ماده معادل ضریب حقوق اعضای رسمی هیأت علمی (آموزشی و پژوهشی) شاغل و بازنشسته دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی مصوب ۱۳۶۸ مجلس شورای اسلامی و تغییرات بعدی آن خواهد بود». مشابه این تبصره عیناً در قانون تغییر جدول حقوق و ضوابط پرداخت مستخدمین مشمول قانون استخدام کشوری و قضات وجود دارد.

مطابق تبصره‌های فوق ضریب حقوق قضات و استادان دانشگاه همان است که در مصوبه سال ۱۳۶۸ مجلس شورای اسلامی وجود دارد مگر اینکه مصوبه جدیدی میزان آن را تغییر دهد. با توجه به تغییرات وضعیت اقتصادی کشور، کاملاً طبیعی و معقول است که ضریب مزبور با شرایط موجود منطبق گردد و (طبق نص صریح تبصره‌های قوانین اشاره شده) این انطباق فقط در صلاحیت قانونگذار است.

بنا به مراتب یاد شده، و با توجه به اصول ۵، ۳۰، بند ۷ اصل ۴۳، ۱۵۶ و ۱۵۸ قانون اساسی و نیز امعان به آیات و روایات بی‌شمار که همگی بیانگر تأکید بر دو امر مهم ترویج آموزش و تعلیم و نیز تأمین قضات می‌باشند، لایحه مزبور دارای توجیه منطقی و وجاهت قانونی است.

### پیشنهاد

باتوجه به واقعیت وجود مراکز متعدد آموزش عالی (از جمله دانشگاههای دولتی، آزاد، پیام نور و مراکز آموزش عالی وابسته به سازمانهای گوناگون مانند دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، دانشکده علوم اداری و قضایی قوه قضاییه و ...) و لزوم پیشگیری از بروز رویه‌های متعدد در مراکز نامبرده بهتر است عبارت انتهایی ماده را به نحوی اصلاح نمود که ابهام عدم تسری به بعضی مراکز آموزش عالی را از بین ببرد.

بنابراین پیشنهاد می‌شود واژه «تمام» یا «کلیه» در جمله پایانی ماده و قبل از عبارت «دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی» اضافه شود و جمله مزبور به ترتیب زیر اصلاح شود:

«... به تناسب به قضات و اعضای هیأت علمی تمام دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی مورد تأیید وزارت فرهنگ و آموزش عالی نیز تسری می یابد.»